



## داستان شما از ابتدای عملیات تا اکنون همراه آن بودید؟

دقیقاً این مطلب را در امور نظامی مطالبه عملیاتی می‌گویند. مطالبه عملیاتی چگونه است یعنی ما به معاونت آموزش می‌گوییم دانشجویان و ملوانان را به گونه‌ای آموزش بده که فلان کار را بتوانند انجام دهند. کارها را می‌شماریم معاونت آماد و پشتیبانی برای روز مشخص یگان را تجهیز می‌کند؛ حتی عقیدتی و سیاسی هم می‌آید تا به نیروها روحیه بدهند و دل آنان را گرم کند که در طول سفر صبور باشند و روحیه بهتری داشته باشند.

در این هفت ماه که بچه‌های ما در دریا بودند، اتفاقات بسیاری در کشور افتاد؛ خیلی کالاها گران شد، شاید خیلی‌ها حتی به خاطر یک جای پارک با هم دعوا کردند، اما این فرزندان ما روی دریا بودند و اگر همین الان با آنان تماس بگیرید، از روحیه و بشاش بودنشان تعجب می‌کنید. پیش خودتان می‌گویید اینها چه توانی دارند؟ در واقع روحیه خوب این بچه‌ها هم در اثر تربیت بدنی و ورزش است و هم آموزش خوب و هم امکانات خوب بهداشتی و رفاهی که در یک کشتی با توان فنی بالا آماده شده است.

### روحیه مذهبی دریانوردان ایرانی

در مقاله‌ای می‌خواندم که ملوانی که سه ماه روی آب باشد، وقتی از کشتی پیاده می‌شود، روحیه خوبی ندارد. اما به قول امیرایرانی، ملوان‌های ما وقتی پیاده می‌شدند، روحیه‌شان آتقدر خوب بود که اهالی بندر تعجب می‌کردند.

نشان می‌دهد که از قبل حرکت این افراد به لحاظ فرهنگی چقدر آماده شده بودند که هر جایی وارد شدند، چنین وضعیتی باشد. مثلاً شنیده‌اید که شناور امریکایی‌ها با آن هم امکاناتی که دارند، وقتی جایی پهلو می‌گیرد، نیروهای شان آزار و اذیت می‌کنند. این موارد را تلویزیون ما هم گاهی نشان می‌دهد. اما ناوگروه ما وقتی از جاکارتا جدا شد و به ریودوژانیرو رسید، چهار ماه در مسیر بود. فرض کنید که چهارماه در این اتاق را ببندم در شرایطی که هیچ خطری شما را تهدید نمی‌کند و بهترین غذا هم در اختیار شما قرار می‌گیرد، پس از چهارماه شما چه روحیه‌ای دارید؟

مانند این است که چندین ماه یک جاده‌ای را بالا و پایین بروید و از ماشین پیاده نشوید. درک شرایط دریا برای غیردریانوردان سخت است و کار دریایی در اقیانوسی که وضعیت جوی آن ممکن است به هم بریزد، چیزی نیست که هر کسی تجربه کرده باشد. فیلم‌های ناوگروه را نگاه می‌کنم و یک نفر مثلاً می‌گوید که روز صدویست و سوم دریانوردی است. رفتارشان به گونه‌ای است که گویی دیروز از بندر جدا شده و انگار نه انگار که اینجا نزدیک سواحل شیلی در نزدیکی قطب جنوب قرار دارد.

اینها را گفتم که ببینید حرکت ناوگروه از چند جنبه قابل مشاهده است؛ از جنبه تخصصی و فنی را گفتم،

معاونت عملیات کارش پیدا کردن جو است. اجرای عملیات در دریا قبل از هر چیز نیاز به پیدا کردن جو دارد حالا اگر عملیات جنگی باشد بررسی کردن دشمن هم نیاز است قسمت دشمنش را مثلاً معاونت اطلاعات باید بدهد ولی معاونت اطلاعات مثلاً به شما می‌گوید که چهار ناو جلوی شما قرار دارد



اما یک جنبه این است که مردم ببینند با وجود همه تحریم‌ها و کمبودها، می‌توان برای سخت‌ترین کارها برنامه‌ریزی کرد که فقط با توان ملی انجام شود. در گذشته، وقتی بچه بودیم، کاری می‌کردیم می‌گفتند مگر موشک هوا کرده‌ای؛ این کاری که نیروی دریایی کرد، از موشک هوا کردن هم سخت‌تر بود. ما قدرت موشکی منطقه هستیم ولی این کار بسیار سختی بود که بچه‌های ما توانستند فقط با اتکا به توان ملی این کار را انجام دهند و از بسیاری از نهادها و سازمان‌های ملی در این کار کمک بگیرند.

### تحقق شکر برنامه‌ریزی‌ها

برنامه‌ریزی‌هایی که از قبل برای انجام این عملیات داشتید، از ابتدای مسیر تا کنون، چقدر دقیقاً محقق شده است؟ نه آن دسته از برنامه‌ریزی‌هایی که در حین عملیات انجام شده، آنهایی که از قبل پیش‌بینی شده بود؛ مثلاً امیرایرانی می‌گفتند که سوت اشتباه آقای فغانی در جام جهانی، باعث شد که ناوگروه در اکوادور نتواند پهلو بگیرد. به نظر شما چقدر این برنامه‌ریزی‌ها دقیق بوده و محقق شده است؟

در کار عملیاتی شما باید قبل از اجرای عملیات فکر همه جوانب را کرده باشید. اگر قرار باشد بعد از شروع کار، برنامه‌ریزی صورت گیرد، ممکن است با مقداری خسارت مواجه شوید. ما قبل از حرکت در همین اتاق زیاد دور هم جمع شدیم و این مسیر بارها عوض شده است.

یک مثال ساده بنمزم؛ روز اول تصمیم داشتیم

یوکوهامای ژاپن برویم و از آنجا به سمت سواحل امریکا حرکت کنیم. ولی بررسی‌ها نشان داد که در آن موقع سال، دریای آنجا خیلی خراب است. در این چند وقت دیدید که طوفان چندین بار قاره امریکا را درنوردید و ایالت‌هایی بود که از بین رفت. ما نمی‌خواستیم ناوگروه را در چنین شرایط خطرناکی قرار دهیم. وقتی می‌توانیم از مسیر بهتری برویم، چرا مسیر سخت‌تر را انتخاب کنیم.

قبل از حرکت چندین بار مسیر را کشیدیم و پاک کردیم و در نهایت به این مسیر رسیدیم. واقعاً روز اول کسی فکر نمی‌کرد که ما این مسیر را انتخاب کنیم و برویم. مثلاً قصد داشتیم که برویم از مالاکا و دریای سلب یا مثلاً به پلی نزی و میکرونزی برویم، ولی همه بررسی‌ها نشان داد که نیم کره جنوبی در فصلی که ما برای سفر انتخاب کرده‌ایم، بهتر است. پس از آنکه مسیر را کشیدیم و حرکت کردیم، تغییرات جزئی داشتیم. تغییرات ما اینقدر بود که مثلاً از نظر بنادری که می‌خواستیم پهلو بگیریم. ما برنامه‌های مختلفی داشتیم که اگر اینجا نشد، فلان بندر برویم.

بر اساس همین برنامه‌ریزی که داشتیم، روز اول رفتیم وزارت خارجه و با مدیرکل‌های مناطق مختلف جلسه گذاشتیم. بنادر مختلفی را به ما پیشنهاد دادند، خودشان رایزنی کردند و پس از آن به ما پاسخ دادند که چه مناطقی برای ما باز است و می‌توانیم برویم. همان را گفتند، حرکت کردیم و تا امروز اتفاق دیگری نیفتاده است.

اگر درست متوجه شده باشم فرمودید تمام برنامه‌ریزی‌ها باید پیش‌تر اتفاق بیفتد.

اینطور باشد، بهتر است. عملیات رزمی هم همین است. اگر شما قبل از عملیات نتوانید به خوبی شرایط دشمن را برآورد کنید، ممکن است ناگهان ۴ ناو را از دست بدهید. اصلاً کار ما در عملیات همین است؛ برنامه‌ریزی.

به همین دلیل است که روی عبارت برنامه‌ریزی تأکید می‌کنیم. اگر جوانان ما اهمیت برنامه‌ریزی را بدانند، از ۱۴ سالگی، برای ۵۰ سالگی شان برنامه‌ریزی می‌کنند.

اشاره کردید که مخصوصاً در عملیات‌هایی که به صورت نظامی اتفاق می‌افتد باید حتماً تمام پیش‌بینی‌ها صورت بگیرد. این ناوگروه به عنوان یک دریانوردی غیرنظامی حرکت کرد. آیا جایی بود که پیش‌بینی نکرده بودید و اتفاقی در حوزه عملیات پیش آمده باشد؟

نه واقعاً نداشتیم. ما از لحظه‌ای که حرکت کردیم تا همین الان حرکت ادامه دارد، بیشتر کارها پیش‌بینی شده بود. البته جایی ممکن است که مثلاً با یک منطقه کم فشار مواجه شده باشیم و مقداری مسیر حرکت به چپ یا بالتر رفته. چنین حرکت‌های جزئی شده و در کلیات مسیر و در کلیات کارهایی که انجام دادیم، از قبل پیش‌بینی‌ها شده بود و به نظر می‌آید که عملیات خوب انجام شده است.